نگرشی بر روزنامه‌ها

«شورای دفاع» گام راهبردی برای اقتدار

جام جم

روزنامه جام‌جم در یادداشتی نوشت: با توجه به اینکه شورای عالی امنیت ملی بالاترین نهاد کشور در ارتباط با تصمیم‌گیری‌های راهبردی در عرصه امنیت ملی است، کاملاً طبیعی به‌نظر می‌رسد که در شرایط ویژه کشور پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه که هنوز کشور در وضعیت جنگی قرار دارد، ابتکار تشکیل شورای دفاع در زیرمجموعه شورای عالی امنیت ملی به‌منظور تمرکز مجموعه تصمیم‌گیری‌ها در مسائل دفاعی و نظامی صورت گیرد. این تحولات نشان‌دهنده جدی‌تربودن جمهوری اسلامی است، با توجه به دشمنی‌های امریکا و رژیم‌صهیونیستی علیه ملت ما، شاهد افزایش آمادگی نظامی و دفاعی بسیار بیشتری نسبت به گذشته هستیم. امیدوارم این ظرفیت‌افزایی در عرصه ملی بتواند کمک کند با اقتدار بیشتری در برابر اشتباه محاسبه احتمالی آینده دشمنان بایستیم و به آنها ضربه وارد کنیم. همچنین با توجه به اینکه مسائل متعدد امنیتی و کلان کشوری و روابط خارجی در شورای عالی امنیت ملی پیگیری می‌شود، نیاز بود تحولات نظامی و دفاعی به صورت متمرکز در یک شورا پیگیری می‌شد. شورای دفاع با بهره‌گیری از تجارب ارزشمند فرماندهان دوران جنگ و تمرکز در ارتباط با مسائل نظامی می‌تواند به تقویت در تصمیمات و سیاستگذاری‌های مربوط به دفاع ما در جنگ کمک فراوانی کند. نویسنده اضافه کرده است: با توجه به اینکه مصوبات شورای عالی امنیت ملی لازم‌الاجراست طبیعتاً با توجه به تغییرات جدید می‌تواند در زمان کوتاه‌تر و به صورت تخصصی‌تر تصمیم‌گیری کند، البته این تصمیمات باید به تأیید مقام معظم رهبری برسد، بنابراین امکان تصمیم‌گیری‌های تخصصی در عرصه دفاعی و نظامی سریع‌تر فراهم می‌شود و در مجموع، این اقدام گامی ارزشمند در شرایط کنونی کشور است.

انتخاب عقلانی و کاربردی

هم‌میهن

روزنامه همشهری در شماره پنج‌شنبه خود به بهانه انتصاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی نوشت: برخی به انتصاب علی لاریجانی در شورای‌عالی امنیت ملی پس از ردصلاحیت انتخاباتی انتقاد دارند، اما نکات‌دیگری هم هست: ۱- ردصلاحیت برای ریاست‌جمهوری به‌معنای بی‌صلاحیتی در سایر مسئولیت‌ها نیست. ۲- نگاه فرشته یا اهریمن به افراد، مانع دیدن توانمندی‌های واقعی آنهاست، لاریجانی در کنار نقدها، نقاط قوت مهمی دارد. ۳- تصمیم‌های شورای نگهبان مطلق و بی‌خطا نیستند، در گذشته مواردی اصلاح یا جبران شده‌اند. ۴- رهبر معظم انقلاب پیش‌تر هم از چهره‌های ردصلاحیت‌شده در مجمع تشخیص بهره گرفته‌اند. لاریجانی از همان زمان ردصلاحیت، مشاور رهبری و نماینده ایشان در نشست‌های راهبردی بوده است. ۵- در جریان جنگ اخیر، رویکرد انقلابی و راهبردی او، باعث بازنگری بسیاری از منتقدان در قضاوت‌های پیشین شد. بازگشت به قضاوت‌های هیجانی گذشته نادرست است. ۶- دولت امروز به تجربه تقنینی و اجرایی او نیاز دارد. این انتخاب عقلانی و کاربردی است. ۷- در شرایط جنگی، حضور فردی که هم انقلابی باشد، هم باتجربه و هم در شورا سابقه داشته باشد، بسیار مهم است. ۸- لاریجانی در توافق‌های بلندمدت با چین و روسیه نقش‌آفرین بوده است و این انتخاب می‌تواند مسیر دیپلماتیک راهبردی گذشته را تقویت کند. ۹- در «شعاع» تصمیمات حساسی مانند فیلترینگ و حکمرانی سایبری و حجاب اتخاذ می‌شود و حضور افرادی که هم عاقل باشند، هم حوزه اجرا را بشناسند، هم نگاه مردمی داشته باشند، هم دین و نظام را بفهمند و هم بر قوانین مسلط باشند، ضروری است. ۱۰- راه نقد بسته نیست اما دنبال حذف آدم‌ها نباشیم. یک ویژگی کلیدی رهبر معظم انقلاب که برای همه ما آموزنده است، این است که با همین ساختار و آدم‌های موجود با سلایق و طیف‌های مختلف کار انقلاب را جلو می‌برند.

دشمن در چه فکریه؟!

رسالت

روزنامه رسالت در یادداشت خود با بیان اینکه انقلاب اسلامی همواره قبل، حین و بعد از وقوع، گرفتار دو جماعت احمق بوده است، نوشت: یکی دشمن خارجی و دیگری اپوزیسیون داخلی که دست‌شان در دست هم است و چون «پت» و «مت» روزگار می‌گذرانند. نزدیک به نیم قرن است هرآنچه از دست‌شان در حوزه فریب، دروغ و اغواگری برمی‌آمده، کرده‌اند، نه‌تنها نتیجه نگرفته‌اند بلکه هر بار سرافکنده‌تر و شکست‌خورده‌تر از قبل به وادی بیچارگی افتاده‌اند. نویسنده اضافه کرده است: امروز ایران در نگاه جهانیان کشوری است که توانسته به امریکا و رژیم روسیاه صهیونیستی سیلی سخت بزند و متجاوزان را در کمترین زمان ممکن به التماس «آتش‌بس» بیندازد. پیش از این در برجام قرار بود همه تحریم‌ها برداشته شود و امریکا و اروپا دست از دشمنی با ایران بردارند، اما ایران به تعهدات خود موبه‌مو عمل کرد، دشمن نه‌تنها به تعهد خود عمل نکرد، بلکه قرارداد را پاره کرد و تحریم‌ها را چندبرابر کرد! امروز دشمن مشغول چه کاری است؟ امروز دشمن در فکر این است چگونه در صف پولادین اتحاد ملی که همه توطئه‌های آنها را نقش بر آب کرد، رخنه کند. یکی نسخه «تغییر پارادایم» می‌نویسد، دیگری نسخه رفراندوم و تغییر قانون اساسی و تأسیس مجلس مؤسسان می‌نویسد و برمی‌گردد به مواضع منسوخ جبهه ملی و نهضت آزادی قبل از انقلاب، آن دیگری لشکر رسانه‌ای را به خط می‌کند تا نشر اکاذیب و تشویش اذهان را در رسانه‌های مجازی رسمیت ببخشد و به لایحه دولت تیر سه‌شعبه می‌زند و آن دیگری مناره می‌سازد تا ساز یک تحرک دیپلماسی را در خلأ کوک کند و... این تحرکات جواب نمی‌دهد. پشت «دین» و «دانش» این کشور یک ملت متحد و یکپارچه ایستاده است. در توطئه بعدی دشمن، معلوم می‌شود چقدر این تحرکات قادر خواهد بود آنها را از «له‌شدگی» و «بیچارگی» درآورد!

«ایران» صدا و مسیر نجات کشورهای بی‌ساحل

ایران

روزنامه ایران در یادداشتی نوشت: در روزگاری که ژئوپلیتیک منطقه‌ای دوباره اهمیت یافته و نبردها نه‌فقط با سلاح که با خطوط ریلی، گذرگاه‌های مرزی و کریدورهای تجاری تعیین می‌شود، سفر معاون اول رئیس‌جمهور ایران به ترکمنستان، معنایی فراتر از یک حضور دیپلماتیک معمول داشت. محمدرضا عارف در سخنرانی رسمی خود، با تأکید بر ظرفیت‌های ترانزیتی ایران یادآور شد که جمهوری اسلامی نه‌تنها از مسیرهای جاده‌ای و ریلی پیشرفته برخوردار است، بلکه توانسته در سال گذشته، رکورد ۲۰میلیون تن ترانزیت کالا را به ثبت برساند. این آمار به‌خودی‌خود، پیامی روشن به کشورهایی چون افغانستان، ارمنستان، ترکمنستان، ازبکستان و دیگر همسایگان محصور در خشکی دارد: «ایران آماده است تا حلقه اتصال آنها با جهان باشد.» اما آنچه این حضور را به سطحی فراتر برد، ورود عارف به مسائل سیاسی و انسانی بود. او در بخشی از سخنرانی خود، نگاهی به فاجعه انسانی غزه انداخت و جمله‌ای گفت که در فضای سالن طنین انداخت: «غزه، امروز محصورترین منطقه جهان است.» او خواستار توقف فوری حملات، آغاز آتش‌بس و ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه شد و از نهادهای بین‌المللی خواست سکوت خود را بشکنند. این سخن، زمانی بیان شد که بسیاری از رهبران جهانی، هنوز ترجیح می‌دهند در برابر فاجعه غزه یا لب فرو ببندند یا در لفافه حرف بزنند. حضور عارف در حاشیه اجلاس نیز فعال و هدفمند بود. او در دیدار با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد به‌صراحت از بی‌عملی نهادهای بین‌المللی در قبال تجاوزات مکرر به حریم ایران و مردم فلسطین انتقاد کرد. از دبیرکل خواست موضعی روشن و مسئولانه در برابر جنایات آشکار اتخاذ کند و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در برابر حملات هسته‌ای به تأسیسات غیرنظامی ایران، به وظایف خود عمل کند.

دفاعی

رئیس ستادکل نیروهای مسلح:

دست ما پر است و توان پاسخ به هر تجاوزی را داریم

رئیس سازمان اطلاعات سپاه: ما صلح‌طلبِ جنگ بلدیم

در دو مراسم جداگانه و در بحبوحه فضای سیاسی و امنیتی منطقه، دو فرمانده ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با ادبیاتی قاطع، شفاف و هشدارآمیز، پیام صریحی به دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارسال کردند. امیر سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در مراسم اربعین شهدای جنگ ۱۲روزه و سردار سرتیپ مجید خادمی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران در مراسم اربعین شهادت سرلشکر کاظمی، هر دو از آمادگی کامل ایران برای پاسخ فوری و شدید به هرگونه تهدید سخن گفتند. تأکید بر توان پاسخ در لحظه، مقاومت فعال، جنگ ترکیبی دشمن و اهمیت انسجام ملی، نقاط مشترک این دو سخنرانی بود که در دل خود، تحلیل دقیقی از میدان‌های نبرد آینده و نقشه‌های پیچیده دشمنان جمهوری اسلامی را نیز منعکس می‌کرد.

پنج‌شنبه‌ای که گذشت مصلای امام خمینی(ره) تهران میزبان مراسم اربعین شهدای دفاع مقدس ۱۲روزه با حضور جمعی از مسئولان کشوری و لشکری، خانواده شهدا، جانبازان و قشرهای مختلف مردم بود.

در این مراسم امیر سرلشکر موسوی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح طی سخنانی با اشاره به شهادت مظلومانه جمعی از فرماندهان، دانشمندان و غیرنظامیان در جریان حملات اخیر صهیونیست‌ها گفت: «دست ما هم برای مذاکره و هم برای جنگ پر است.»

وی با اشاره به ظرفیت‌های دفاعی ایران هشدار داد: «اگر دشمنان قصد تجاوز مجدد داشته باشند، پاسخ ما این بار کوبنده‌تر و متفاوت از گذشته خواهد بود. ما توان پاسخ در لحظه را داریم و از هیچ‌کس اجازه نمی‌گیریم.»

موسوی در ادامه توانایی ایران در تولید قدرت در میدان‌های پیچیده را برگ برنده جمهوری اسلامی دانست. او گفت: «این ملت نه تنها قدرت دارد، بلکه توان تولید قدرت در پیچیده‌ترین میادین را دارد.» این جمله، به نوعی ترجمان راهبرد «بازدارندگی فعال» در دکترین دفاعی ایران است که بر پایه ترکیب دانش، اراده و معنویت شکل گرفته است.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح جنگ اخیر را نه صرفاً یک درگیری نظامی، بلکه جنگی ترکیبی با ابعاد شناختی، روانی و فرهنگی دانست که هدف آن، ضربه به «روحیه و انسجام ملی» ایران است.

وی تأکید کرد: «ما در همه میدان‌ها با قوت و قدرت تا پای جان برای عزت و سربلندی ایران ایستاده‌ایم.»

او «خانه‌های ایرانیان» را سنگرهای واقعی این نبرد توصیف کرد و گفت: «هر خانواده ایرانی یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن است.»

سرلشکر موسوی با اشاره به شهادت زنان و کودکان از «خانواده» به عنوان سرمایه راهبردی کشور یاد کرد و گفت: «ترس دشمن از سرمایه‌های اساسی جمهوری اسلامی، یعنی خانواده و آینده‌سازان این کشور است.»

«رژیم‌صهیونیستی» خودروی ترمز بریده

رئیس ستادکل نیروهای مسلح در ادامه رفتارهای رژیم‌صهیونیستی را نشانه‌ای از «افسارگسیختگی و ترس از آینده» توصیف کرد و گفت: «این رژیم مثل خودرویی با ترمز بریده است که در سراشیبی سقوط قرار دارد.»

موسوی تصریح کرد: «رژیم نامشروع صهیونی همواره نزد مردم منفورترین بوده است. امریکایی‌ها با این همراهی که با آنها کردند، در سطح نفرت با آنها همتراز شدند. رژیم‌صهیونیستی سرنوشت خود را می‌داند و این وحشی‌گری‌هایی که از خود نشان می‌دهد، ناشی از اضطراب آن آگاهی است. رژیم کودک‌کش اصلاً آینده‌ای ندارد که به منفور بودن یا نبودن خود در آن آینده فکر کند، اما واقعاً جای تعجب است که چرا امریکا سرنوشت خود را به این رژیم گره زده است. رژیم‌صهیونیستی مانند وسیله نقلیه‌ای است که ترمز بریده و کنترل ندارد؛ درخت‌ها را قطع می‌کند، خانه‌ها را خراب می‌سازد و آدم‌ها را زیر می‌گیرد و قتل‌عام می‌کند. هر لحظه در این سراشیبی، سرعت تخریب و سقوط این وسیله نقلیه بیشتر می‌شود. این اسمش قدرت نیست، بلکه افسارگسیختگی و بی‌کنترلی است. نتانیاهو برای نجات خود، جنگ‌افروزی و وحشی‌گری می‌کند.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح افزود: من از عقلای امریکا و برخی کشورهای غربی می‌پرسم: آیا امریکا فکر می‌کند آینده‌ای وجود ندارد و امروز روز آخر دنیاست؟ آیا فردا گریبان‌شان در منطقه به دست فرزندان زخم‌خورده این ملت نخواهد افتاد؟ حتی اگر یک نفر از این باقی‌مانده‌ها باشد، شما امریکایی‌ها از سیلی انتقام او در امان نخواهید بود. کودکان، نوجوانان و جوانان این آب و خاک صدای منفور بمب‌های شما را شنیده‌اند. منتظر باشید که آنها گوش‌های شما را کر خواهند کرد. دختران و زنان سرزمین، لبخند کریه شما را در برابر اشک داغ‌دیدگان ما دیده‌اند و فرزندانی را پرورش خواهند داد که لبخند را از لب‌های شما محو خواهند کرد.»

نقاط آسیب‌پذیر دشمن در اختیار ماست

در مراسم اربعین سردار سرلشکر شهید کاظمی، اما سردار سرتیپ پاسدار مجید خادمی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، چهره‌ای دیگر از نبرد ترکیبی را روایت کرد. او با اشاره به ابعاد سخت، نیمه‌سخت و شناختی جنگ اخیر گفت: «رژیم‌صهیونیستی با پشتیبانی امریکا و اروپا وارد میدان شد اما به بن‌بست خورد.»

سردار خادمی با تأکید بر نقش فضای مجازی در جنگ شناختی، پلتفرم‌هایی چون اینستاگرام، تلگرام و واتس‌اپ را «ابزار دشمن» دانست، اما در عین حال از بصیرت مردم ایران در استفاده آگاهانه از این ابزارها برای «رشد آگاهی و ایستادگی» تمجید کرد.

او همچنین از «ضرورت توسعه شبکه ملی اطلاعات» سخن گفت و با اشاره به تأیید رهبر معظم انقلاب بر اهمیت این موضوع تأکید کرد که داده، نفت جدید جهان است. رئیس سازمان اطلاعات سپاه در ادامه تأکید کرد: ایران، صلح‌طلب جنگ‌بلد است. ما هیچ وقت آغازگر جنگی نبوده‌ایم اما از جنگ آموخته‌های بسیار خوبی داریم و حتماً ان‌شاءالله دشمن را سر جای خودش خواهیم نشاند. تاریخ گذشته ایران و رزمندگان اسلام و جبهه مقاومت، نگاه ویژه‌ای از ایران در چشم سیاستمداران و نظامیان زبده جهان ترسیم کرده است.

خادمی افزود: «اگر لازم باشد، طرح‌هایی را که آماده کرده‌ایم، اجرا خواهیم کرد، اما امروز بنا به ملاحظاتی بیان نخواهیم کرد. نقاطی را که آماده و مشخص کرده‌ایم زیر ضربه می‌بریم، ما زبان شما را می‌فهمیم. دشمن باید بداند که اگر غلط زیادی کند، نقاط آسیب‌پذیرش در سطح منطقه در اختیار ماست. زمانی هم که به العدید قطر حمله کردیم، قبلش به قطری‌ها اطلاع دادیم و آنها هم طبیعی بود به امریکایی‌ها اطلاع می‌دهند، هرچند هیچ کدام از سامانه‌ها از جمله رادارشان با برد ۵هزار کیلومتر آنها عمل نکرد. از ۱۲موشک شلیک شده هم شش موشک به هدف اصابت کرد.»

این سخنان رئیس سازمان اطلاعات سپاه را باید فراتر از قدرت نظامی صرف تحلیل کرد و نشان از شناخت دقیق اهداف دشمن و آمادگی برای پاسخ به اقدامات تحریک‌آمیز دارد.

سردار خادمی بخش مهمی از سخنان خود را به بُعد اعتقادی نبرد اختصاص داد. او با قرائت آیاتی از قرآن، به وعده نصرت الهی استناد کرد و گفت: «حضرت آقا فرمودند که نابودی رژیم‌صهیونیستی قطعی است. شک نکنید، حتی اگر تک‌تک ما شهید شویم.» او تأکید کرد که امید جمهوری اسلامی نه به قدرت‌های جهانی یا ائتلاف‌ها، بلکه به «وعده‌های صادق الهی» است و افزود: «ما در این جنگ به هیچ‌کس متکی نبودیم. فقط به خدا.»

نیروهای مسلح آماده مقابله با سناریوهای سخت‌تر

رئیس سازمان اطلاعات سپاه همچنین با اشاره به تلاش دشمنان برای ایجاد ناآرامی داخلی در پایان سال ۱۴۰۳ گفت: «با همکاری اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و فراجا این توطئه را ناکام گذاشتیم.»

وی تصریح کرد که دشمن همچنان بر بحران داخلی تمرکز دارد و گفت: «مردم باید هوشیار باشند، جنگ هنوز تمام نشده، فقط در مرحله توقف موقت هستیم.»

در مجموع، هرچند سرلشکر موسوی و سردار خادمی در دو تریبون متفاوت سخن گفتند، اما پیام هر دو هم‌جهت و همراستا بود؛ ایران آماده است. بازدارندگی فعال، قدرت پاسخ در لحظه، اشراف اطلاعاتی، مقاومت مردمی و توکل به نصرت الهی، ستون‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی هستند. در شرایطی که نظم امنیتی منطقه در حال گذار است و جنگ‌های جدید، بیش از هر زمان دیگری ابعاد ترکیبی دارند، سخنان این دو فرمانده، نشانگر آمادگی کامل نظامی- اطلاعاتی کشور برای مواجهه با سناریوهای سخت‌تر آینده است. ایران، همان‌گونه که سردار خادمی گفت: «صلح‌طلب جنگ‌بلد» است.

پیام

رئیس جمهور در پیامی به مناسبت روز خبرنگار:

«خبرنگار» فرمانده خط مقدم دفاع از حقیقت است

رئیس‌جمهور با بیان اینکه وطن ما امروز بیش از هر زمان به «صراحت صادقانه»، «پایداری عزتمندانه» و «دفاع بی‌تزلزل» نیاز دارد، گفت: دفاع از ایران فقط در میدان جنگ نیست، گاهی در یک تیتر درست، یک گزارش دقیق یا ایستادن در برابر تحریف و ناامیدسازی هم معنا پیدا می‌کند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری، دکتر مسعود پزشکیان در پیامی به مناسبت روز خبرنگار با تبریک این مناسبت به همه فعالان عرصه خبر تصریح کرد: روز خبرنگار فقط یک تاریخ در تقویم نیست. فرصتی است برای تأمل دوباره در جایگاه بی‌بدیل رسانه‌ها، در بیان درست واقعیت‌ها، در ساختن اعتماد عمومی، در پیوند دادن دل‌های مردم و ایستادن در برابر تحریف و دروغ. این روز یادآور همه کسانی است که وسط میدان‌های پرآشوب و میان غبار روایت‌های مغشوش، پرچم شرف، استقلال و آگاهی را زمین نگذاشتند، خبرنگار، فرمانده خط‌مقدم دفاع از حقیقت است.

در پیام رئیس‌جمهور آمده است: «نام و یاد شهید محمود صارمی و همه شهدای عزیز عرصه قلم، آگاهی و روشنگری را در روز خبرنگار گرامی می‌دارم؛ روزی که یادآور فداکاری کسانی است که جان‌شان را برای گفتن حقیقت و نگه‌داشتن چراغ آگاهی مردم تقدیم کردند. در کنار این عزیزان، یاد همه خبرنگاران شهیدی را که در راه دفاع از میهن و در روایت حملات رژیم‌صهیونیستی به ایران عزیز و شهروندانش، جان‌شان را در راه حقیقت گذاشتند، پاس می‌داریم. آنان که در خط‌مقدم روایت ایستادند و با قلم و تصویرشان، تاریخ مقاومت این ملت را ثبت کردند. روز خبرنگار فقط یک تاریخ در تقویم نیست؛ فرصتی است برای تأمل دوباره در جایگاه بی‌بدیل رسانه‌ها، در بیان درست واقعیت‌ها، در ساختن اعتماد عمومی، در پیوند دادن دل‌های مردم و ایستادن در برابر تحریف و دروغ. این روز یادآور همه کسانی است که وسط میدان‌های پرآشوب و میان غبار روایت‌های مغشوش، پرچم شرف، استقلال و آگاهی را زمین نگذاشتند. امروز که دنیا گرفتار آشوب معنا و جنگ روایت‌هاست و حقیقت گاهی قبل از کشف، جعل می‌شود، خبرنگار، فرمانده خط‌مقدم دفاع از حقیقت است. در همان روزهایی که ملت ایران در ۱۲روز نبرد پرمخاطره با رژیمی کودک‌کش و قانون‌گریز و حامیانش، شکوه اقتدارش را نشان داد، این خبرنگاران بودند که روایت مقاومت را زنده نگه داشتند، از شهدای وطن نوشتند و مظلومیت ایران را به گوش جهانیان رساندند. لازم می‌دانم از همه کسانی که حقیقت جنگ رژیم‌صهیونیستی علیه ایران را در رسانه‌های خود منتشر کردند و صدای مردم ایران را به گوش شنوای مردم جهان رساندند، صمیمانه تشکر کنم. چنانکه هرگز نمی‌توان شهامت و دلیری خبرنگارانی را که راویان صادق جنایات شوم و نسل‌کشی رژیم صهیونی در غزه مظلوم بودند و به درجه رفیع شهادت نائل شدند، از یاد برد. وطن ما امروز بیش از هر زمان، به «صراحت صادقانه»، «پایداری عزتمندانه» و «دفاع بی‌تزلزل» نیاز دارد. دفاع از ایران فقط در میدان جنگ نیست، گاهی در یک تیتر درست، یک گزارش دقیق یا ایستادن در برابر تحریف و ناامیدسازی هم معنا پیدا می‌کند. به‌عنوان رئیس‌جمهور، با افتخار روز خبرنگار را به همه مجاهدان عرصه خبر، گزارش، تحلیل و روایت تبریک می‌گویم. وظیفه ما این است که امنیت، حرمت، کرامت و معیشت خبرنگار را نه در حد شعار که در عمل و به‌عنوان یک مسئولیت حاکمیتی پاس بداریم. از خبرنگاران عزیز می‌خواهم همان‌طور که از حق مردم در دانستن دفاع می‌کنند، از حقیقت ایران هم دفاع کنند. ایران را با همه زخم‌ها و شکوه‌هایش روایت کنند. از وطن نه با تردید که با غیرت بنویسند و از گفتن حقیقت نترسند، حتی اگر سنگین باشد. به قلم‌های بیدار، به دوربین‌های حقیقت‌جو، به نگاه‌های بی‌هراس و به دل‌های دردمند اهالی رسانه درود می‌فرستم.»

۱۷مردادماه سالروز شهادت شهید محمود صارمی، خبرنگار و مسئول دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در افغانستان، در تقویم کشور روز خبرنگار نامگذاری شده است.

یادداشت میهمان

علی زارعی‌نجفدری

«دیپلماسی عمومی» حلقه مفقوده ما در روابط بین‌الملل

در سایه‌روشن اجرای تدریجی دکترین سیاسی قدرت‌های غربی در منطقه، بروز و ظهور قدرت بلامنازع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و نقش تعیین‌کننده در بسیاری از معادلات سیاسی بین‌المللی، شوک بزرگی در اردوگاه سلطه‌گران غربی ایجاد کرد که مقیاس این قدرت در جنگ تحمیلی ۱۲روزه امریکا و رژیم صهیونی علیه ایران بیش از پیش آشکار شد و دیدند و دریافتند که با چه قدرت نوظهوری طرفند.

اقتدار و پیروزی ایران در آن جنگ نامتقارن برگرفته از قدرت افتخارآفرین سخت و نظامی جمهوری اسلامی ایران بود، این در حالی است که منطق انسانی و قدرت نرم ایران به مراتب تأثیرگذارتر و کاراتر از قدرت سخت آن است که این رسالت حوزه «دیپلماسی عمومی» است. آنگاه که این حوزه نرم در کنار آن حوزه اقتدارآمیز سخت قرار گیرد، می‌تواند معجزه بیافریند.

با خیزش جهانی علیه فرا آپارتاید و نسل‌کشی غیرقابل تصور تاریخی رژیم صهیونی با حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه امریکا علیه مردم فلسطین و غزه از یکسو و تحمیل جنگ نامتقارن دو قدرت اتمی جهان یعنی امریکا و رژیم صهیونی و حمایت‌های بی‌دریغ دیگر قدرت‌های غربی علیه کشور متمدن ایران از دیگر سو، بستر برقراری ارتباط «بین‌الدوَل» به بستر ارتباط «بین‌الملل» در حوزه اجتماعی را بیش از هر زمان دیگری فراهم کرد و این از فرصت‌های مغتنمی است در راستای ارتباط با افکار عمومی جهان و «دیپلماسی عمومی».

ما در عین اینکه با جوامع مسلمین دنیا گرایش‌های مشترک، باورهای مشترک و فهم مشترک دینی و با جوامع موحد غیرمسلمان گرایش‌ها، باورها و فهم مشترک توحیدی داریم، با همه انسان‌ها در دنیا حتی غیرمسلمانان و غیرموحدان نیز گرایش‌های مشترک، باورهای مشترک و فهم مشترک منطق انسانی و ارزش‌هایی چون عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی و آزادیخواهی داریم.

همه این گرایش‌ها، باورها و فهم مشترک، بن‌مایه «دیپلماسی عمومی» است. برخاستن صدای واحد از دل ایران چندصدایی، ترجمان وحدت در عین کثرت سیاسی- اجتماعی و جلوه‌ای از حقیقت ناب ایران و ایرانی است. این صدای واحد که همه صداهای ایران چند صدایی را در خود داشته و دارد، در دینی‌ترین، مذهبی‌ترین و شعور و شورانگیزترین شب سال یعنی شب عاشورا فرمودند: «ایران بخوان». پژواک این صدای واحد که از تمام ایران برخاست، در جای‌جای جهان پهناور مستلزم حرکتی فعال و پویا در حوزه «دیپلماسی عمومی» است.

از مجرای دیپلماسی عمومی که نوع متأخر و بدیع از روابط بین‌الملل و معطوف به افکار عمومی است، می‌شود حقیقت ناب وحدت در عین کثرت سیاسی- اجتماعی جامعه متمدن ایران را به دنیا نشان داد تا دوستداران، حقیقت ناب جامعه متمدن ایران را بیشتر و بهتر دریابند و بدخواهان و دشمنان دچار خطای محاسباتی در مورد ایران و ایرانیان نشوند.

افزون بر وزارت امور خارجه که دیپلماسی سیاسی و کلاسیک از تکالیف ذاتی آن وزارتخانه است که به صورت فعال پای کار است، حداقل ۱۶سازمان و نهاد و وزارتخانه و مراکز بزرگ و بعضاً با تشکیلات عریض و طویل که هر کدام در بودجه عمومی سالانه کشور ردیف بودجه‌ای جداگانه دارند، بعضاً همه و بعضاً بخش بزرگی از فلسفه وجودی و رسالت و مأموریت‌شان «دیپلماسی عمومی» است، باید از طریق دیپلماسی عمومی پای کار این کارزار می‌بودند که اینگونه نیست!

آنچه قابل درک است اینکه وزیر محترم امور خارجه و ستاد دستگاه دیپلماسی مساعی لازم را در پیگیری امور این کارزار داشته و دارند، منتها در این میان نوعاً از سفرا و سفارتخانه‌های ایران در کشورهای مختلف و همچنین نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان‌های مختلف بین‌المللی نظیر یونسکو و یونیسف که اصلی‌ترین وظیفه‌شان حوزه فرهنگی- اجتماعی و دیپلماسی عمومی است، در راستای دیپلماسی پیرامون جنگ و وضعیت فعلی نه جنگ و نه صلح کشور، حرکت و کنشی در حوزه مأموریت‌شان دیده نشده و نمی‌شود که اتفاقاً اولی‌ترین فلسفه وجودی و خدمت‌شان در مواقع بحران و جنگ تعریف شده است.

یادداشت

«اول امریکا» بعد از اسرائیل!

در سال‌های اخیر، اگرچه سیاست‌ورزی در امریکا ظاهری چندقطبی و گاه پرآشوب به خود گرفته، اما در عمق این تحولات، الگوهایی نسبتاً ثابت و تأمل‌برانگیز قابل شناسایی است. یکی از این الگوها، حضور پررنگ و تأثیرگذار جریان‌های قدرت‌محور صهیونیستی در سطوح تصمیم‌سازی ایالات متحده است؛ حضوری که نه صرفاً در قالب لابی‌گری آشکار، بلکه در ساختاردهی به رویکردهای کلان و حتی بازتعریف اولویت‌ها بروز پیدا می‌کند.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR، در سرمقاله شماره ۴۷ خود به تبیین این نکته پرداخته و نوشته است: گرچه شعارهایی مانند «اول امریکا» در سطح عمومی مطرح شدند، اما ترکیب واقعی تیم‌های سیاسی- امنیتی و حلقه‌های تصمیم‌ساز، حکایت از موازنه‌ای دیگر دارد؛ مجموعه‌ای از نومحافظه‌کاران، سرمایه‌گذاران حوزه نظامی و عناصر همسو با منافع تل‌آویو که عملاً مسیر «اول اسرائیل» را دنبال می‌کنند.

درک سیاست خارجی امریکا در قبال غرب آسیا، به‌ویژه در قبال مسائلی چون جنگ غزه، بحران لبنان یا پرونده هسته‌ای ایران، بدون در نظر گرفتن این نفوذ ساختاری، تحلیلی سطحی و ناتمام خواهد بود.

آنچه در ظاهر نوعی تصمیم‌گیری ملی جلوه می‌کند، در واقع تحت تأثیر فیلتری خاص از اطلاعات و چارچوب‌های تحلیلی شکل می‌گیرد که از سوی حلقه‌ای تندرو و هدفمند هدایت می‌شود.

نکته مهم آنکه این سطح از نفوذ، از روابط دوجانبه فراتر رفته و به شبکه‌ای پیچیده و چندلایه مربوط می‌شود که می‌توان از آن با عنوان «صهیونیسم جهانی» یاد کرد؛ ساختاری فراملی متشکل از یهودیان، مسیحیان صهیونیست و حتی چهره‌های غیرمذهبی که منافع اقتصادی، موقعیت‌های سیاسی یا حتی پرونده‌های شخصی آنان را در پیوندی ناگسستنی با این جریان قرار داده است.

در چنین منظومه‌ای، تصور اختلاف واقعی و جدی میان امریکا و اسرائیل، به‌ویژه درباره ایران یا فلسطین بیشتر به یک بازی رسانه‌ای می‌ماند و با واقعیت میدان نسبت چندانی ندارد. در بزنگاه‌ها، هم دموکرات‌ها و هم جمهوری‌خواهان در دفاع از اسرائیل موضع یکسان دارند، بنابراین همسویی با تل‌آویو نه یک استثنا بلکه بخش جدایی‌ناپذیر از ذات سیاست غرب است، با این حال نتانیاهو حتی در چشم برخی از همین ساختارها نیز به عاملی بحران‌ساز تبدیل شده است.

در پرتو آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که سیاست خارجی ایالات متحده، به‌ویژه در قبال مسائل غرب آسیا، بیش از آنکه بازتاب منافع ملی این کشور باشد، متأثر از پیوندهای عمیق و چندلایه با ساختارهای فراملی صهیونیستی است؛ ساختارهایی که نه‌تنها اولویت‌ها را تعیین می‌کنند، بلکه دامنه اثرگذاری خود را تا اعماق نهادهای تصمیم‌ساز و حتی افکار عمومی گسترش داده‌اند. از این منظر، تحلیل تحولات منطقه بدون در نظر گرفتن این نفوذ سامان‌مند، نابسنده خواهد بود، چراکه فهم واقعیت، مستلزم عبور از لایه‌های فریبنده شعار و ظاهر است.